

از فرط بی‌خوابی

در درس‌اصغر فرهادی‌بودن!



«مهرداد حجتی

● «اصغر فرهادی» ۱۵ سالی می‌شود که فیلم می‌سازد؛ جوانی با سر پرشور که قصد ندارد به این زودی‌ها میدان را برای رقبا خالی کند. او هربار «آس» تازه‌ای از آستین به در می‌آورد و همگان را غافلگیر می‌کند. اینکه در «ورق»‌های او چه تعداد «آس» هست تعجب‌آور نیست. چون از چنین نابغه‌ای می‌توان چنین انتظاری داشت؛ اینکه تعداد «آس»‌های او از شماره بیرون شوند و ما نیز همچنان شگفت‌زده باقی بمانیم! گروه پرشماری از مخاطبان او چندسالی می‌شود که به فتوحات او عادت کرده‌اند؛ فتح این یا آن جشنواره، بردن این یا آن جایزه. همه چیز از «برلیناله» آغاز شد؛ از «جدایی نادر از سیمین»؛ جایی که فیلم همه را غافلگیر کرد و یک شبه آوازهای به هم‌جا رفت، بعد نوبت به «گلدن گلوب» رسید و نهایتاً در یک شب رؤیایی به «اسکار»؛ شبی که گروه پرشمار مخاطبان تا صبح نخوابیدند و لحظه‌به‌لحظه آن مراسم باشکوه را از گیرنده‌های ماهواره‌ای خود تماشا کردند. «عرق ملی» همه را بیدار نگاه داشته بود؛ مثل شب‌های سرنوشت‌ساز ملی دیگر؛ شب‌هایی که همه چشم‌به‌راه یک «خبرند»؛ خبری که از راه برسد و به‌یک‌باره موجی از شادی راه بیفتد و کل کشور را در بر بگیرد و تا مدت‌ها «خاطر»؛ یک ملت را شاد کند؛ مثل همان «حماسه ملیبورن» با کل تاریخی «خداداد عزیزی»؛ شبی که تا صبح مردم در خیابان‌ها شادی کردند و نیروهای انتظامی هم چاره‌ای جز همراهی با مردم نداشتند. البته در زمان اعلام جایزه «اسکار» برای «اصغر فرهادی» به وقت ایران صبح زود بود. مردم با بیدار خوابی شبانه خود را به یک طلوع رسانده بودند. آن ساعت از روز مملای «شادی خیابانی» نبود، «توفان پیامکی» از مکتا «شادی همه با یقین از بیداری به یکدیگر تبریک می‌گفتند و خاموش در خانه‌هایشان آشک شوق می‌ریختند. وجدتی غریب در یک بامداد سحرانگیز که با تصویری جادویی بر صفحه‌های تلویزیون پدید آمده بود. یک ایرانی در شرایط سخت «تحریم‌ها» توانسته بود از مرزهای «تردید» عبور و با اثری تأثیرگذار قلب داوران پرشمار «آکادمی» را فتح کند. تپش قلب‌ها را می‌شد از آن سوی دیوار خانه‌ها شنید وقتی که نام کاندیداها یک‌به‌یک خوانده می‌شد؛ کاندیداهای بهترین فیلم «خارجی». تپش‌ها به اوج رسید آن هنگام که در پاکت طلایی باز شد و نام «اصغر فرهادی» از آن بیرون آمد. انفجار بالاخره رخ داد؛ انفجار شادی پای گیرنده‌هایی که تصویر یک ایرانی سربلند را نشان می‌داد. یک جوان ایرانی که «جسمه‌های طلایی» در دست داشت برای جهان از ایرانیان صلح‌طلب سخن می‌گفت. او کلید توفان را زده بود. مردم خود همان توفان بودند. شب به روز وصل شده بود و فردا از همان ساعت «اسکار» آغاز شده بود. کمتر کسی را می‌شد یافت که از خبر دریافت «اسکار» ذوق‌زده نشده باشد؛ جایزه‌ای که فیلم‌سازان ما سال‌ها در حسرت آن مانده بودند و این مهم بالاخره در یک شب جادویی به حقیقت پیوسته بود. از آن پس بود که دیگر به آثار «اصغر فرهادی» به چشم «شاهکار» نگریسته شد. ابتدا «گذشته» و پس از آن «فروشنده» حالا توقعات از «اصغر فرهادی» بالا رفته است. فتوحات او شاید همچون گذشته همه را شگفت‌زده نکند، اما برگزیده‌نشدنش قطعاً همه را شگفت‌زده خواهد کرد! چون حالا همه از آن انتظار برنده‌شدن دارند. همه با این تصور که هر اثر او، قله‌ای فراتر از قله قبلی است به آثار او نگاه می‌کنند؛ اینکه او دیگر در قواره جهانی باید دیده شود؛ اتفاقی که تا پیش از این فقط برای «عباس کیارستمی» افتاده بود و او تا قله نکر؛ پیش رفته بود. «کیارستمی» هرچند «اسکار» نگرفت، اما فتح قله‌های بزرگ را به همکاران ایرانی‌اش آموخت. او بود که راه رسیدن به قله‌های افتخار را بد داد. اتفاقاً هم او بود که فتح یک‌به‌یک «جشنواره‌ها» را برای فیلم‌سازان ایرانی عادی کرد. تا جایی که از زمانی به‌بعد هیچ جشنواره‌ای نبود که در فهرست برگزیدگان آن نامی از یک فیلم‌ساز ایرانی درج نشده باشد! حالا اگر پس از سال‌ها افتخار آفرینی «کیارستمی»، به افتخار آفرینی «فرهادی» دل خوش گزیده‌ایم بیشتر از آن‌رو است که هشت سال حسرت‌خوری دوران «مهرزوری» ما را حریص کرده است؛ همان دوران سراسر اضطرابی که از دالان وحشت تحریم‌ها گذشت؛ هشت سال تنگنایی که جز «امید» چیزی ما را به آینده وصل نمی‌کرد. مردم سختی کشیده، نایز به امید دارند؛ امید به افق‌های بی‌ازد. امید به جای بهتر از آنجایی که هستند و خبر «کاندیداتوری» فیلم تازه «فرهادی» یک‌بار دیگر برق شادی را به چشمان مردم آورده است؛ خبری خوش در روزهای سراسر اندوه متأثر از حادثه جان‌سوز «ساختمان پلاسکو». مردم ایران به «الکلنگ» اندوه و شادی خورده‌اند. نوسان مدام می‌دمان گریه و خنده؛ و این داستان این‌سال‌های مردم است، جوانه امید در دل خاک نومی‌د؛ در زمانه پرغبار این‌روزها می‌توان قدری دورتر افق‌های روشن را دید. خبر «کاندیداتوری» فیلم «فروشنده» افقی روشن در میان غبار اندوه بود؛ فرصتی که بتوان در دل قدری آرام بود. گاه بلخندی زد و از سر غور به خود بالید.

شرق؛ روزی که با غش کردن رضا رشیدپور مقابل دوربین زنده تلویزیون شروع شد، با تذکرگرفتن عادل فردوسی‌پور خاتمه پیدا کرد. صبح روز گذشته درحالی‌که بسیاری طبق روال هرروز صبح، برنامه «حالا خورشید» را به صورت زنده از شبکه سه سیما می‌دیدند، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. رضا رشیدپور، مجری پرطرفدار تلویزیون، از هوش رفت. بسیاری دلیل ازهوش‌رفتن او را سکنه قلبی عنوان کردند، اما او در صحبتی که بعد از این اتفاق با تلویزیون داشت، از افت فشارش در حین اجرای برنامه صحبت کرد.

اردوان رحیمی، دستیار رضا رشیدپور در برنامه «حالا خورشید»، در گفت‌وگو با مهر، درباره وضعیت فعلی این مجری گفت: وی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری است، ولی حال عمومی‌اش خوب است. رحیمی درباره اینکه رشیدپور تا چه زمانی باید بستری باشد، بیان کرد: ابتدا قرار بود بعد از معاینه مرخص شود، ولی پزشکان می‌گویند بهتر است تا ۴۸ ساعت در بیمارستان بماند. البته او اکنون حرف می‌زند و همان‌طور که گفته شد، وضع عمومی‌اش خوب است.

او درباره پخش برنامه «حالا خورشید» برای پنجشنبه، هفتم بهمن اظهار کرد: پزشکان اگر هم زودتر رشیدپور را مرخص کنند، گفته‌اند که باید استراحت کند و پنجشنبه نمی‌تواند برنامه را اجرا

رضا آشفته؛ نمایش «ویولن تایتانیک» این روزها در کارگاه دکور رودکی در حال اجراست؛ نمایشی که برخلاف رسم معمول تئاتر ایران در یک سالن غیرتئاتری اجرا می‌شود. پیترو فلوری‌دا، کارگردان ایتالیایی این نمایش، مدتی را در ایران گذرانده تا این اثر را با بازیگران ایرانی و افغانستانی آماده کند. فلوری‌دا، نمایش نامه‌نویس، کارگردان و مؤسس تئاتر منچیجی است. او از سال ۱۹۹۳ مدیرمسئول تئاتر شهرداری «سندرزو» در «بولونیای ایتالیا»ست. وی از سال ۲۰۰۳ پروژه‌های تئاتری را پیش می‌برد که به‌نوعی می‌شود آسمش را تئاتر پژوهشی‌نامید که به تلاقی فرهنگ‌های دور و متفاوت مربوط است. کارهای نمایشی او از یک جهت همکاری با خارجی‌های مقیم ایتالیا و بلونیاست و از طرف دیگر همکاری با کشورهای دیگر از جمله بولیویا، برزیل، نیکاراگوئه، مراکش، سنگال، فرانسه، لهستان، فلسطین و... . گروه او اغلب اجراهای موفقی در ایتالیا داشته و جوایز مختلفی هم دریافت کرده است. تاکنون چهار کتاب‌رمان، نمایش‌نامه و تئوری‌های تئاتری از وی چاپ شده که از این میان نمایش‌نامه «بانچه‌ای برای اوقلیا، به سه زبان سوئدی، پرتغالی و آلمانی، ترجمه و منتشر شده است.

۴ از تئاتر ایران چقدر شناخت داشتید؟

من با تئاتر ایران بیگانه نیستم، سال‌ها قبل آتلیا پسپایانی، نمایشی را در جشنواره ما اجرا کرد. صنم نادری که در «ویولن تایتانیک» مترجم و دستیارم بود هم حدود ۱۰ سال است با ما همکاری می‌کند. در گروه ما همیشه ایرانی‌های مهاجر وجود داشته‌اند. آرش عباسی هم از زمانی که به بلونیا آمد، با گروه ما همکاری کرد و حاصلش چند نمایش شد که در ایتالیا و ایران اجرا کرد. به‌غیر از اینها، سال‌ها قبل نمایشی درباره فروغ فرخزاد کار کردیم. با ادبیات و شعر ایران هم به‌خوبی آشنا هستم و جریان‌ات سیاسی و اجتماعی ایران را همیشه دنبال می‌کردم.

۴ چه شد که تایتانیک را برای اجرا در ایران انتخاب کردید؟

ویولن تایتانیک را چند سال است که در کشورهای مختلف اجرا می‌کنم؛ در ایتالیا، برزیل، لهستان، آلمان و فرانسه و... . وقتی آرش عباسی دعوت کرد که در ایران کار کنم، فکر کردم بهتر است همین نمایش را با بچه‌های ایرانی و مهاجران که فقط افغانستانی‌ها بودند کار کنم. نمایش ویولن تایتانیک از پایان کشتی تایتانیک حرف می‌زند؛ از کوه یخی حرف می‌زند که این کشتی غول‌آسا با آن برخورد می‌کند و سرنوشت آن را تغییر می‌دهد.

۴ در بقیه کشورها هم به همین شیوه نمایش را اجرا کردید؟

بله. با کمی تغییر به همین شکل اجرا کرده‌ایم. این اجرا دنبال چیزهای جدید و ارتباطات جدید می‌گردد، حتی بازیگران نیز در این اجرا به تجربه‌ای جدید در برخورد با تماشاجی می‌رسند. برای این اجرا بازیگران خاصی به

روی آنتن

رشیدپور غش کرد، فردوسی‌پور کارت زرد گرفت



کند. اما تمام حواشی روز گذشته تلویزیون به اینجا ختم نشد؛ چراکه یکی دیگر از مجریان پرطرفدار سیما نیز از سمت مسئولان تلویزیون کارت زرد گرفت. عادل فردوسی‌پور در این سال‌ها بارها به دلیل ورود به موضوعات اجتماعی با مدیران تلویزیون دچار چالش شده است و اوج اختلافات بین فردوسی‌پور و مدیرانش به موضوع پخش‌نشدن مصاحبه او با محمدجواد ظریف در شب پلدای سال گذشته برمی‌گردد. فردوسی‌پور با وجود این فشارها از بالا اما نشان داده قصد ندارد در رویه

گفت‌وگو با پیترو فلوری‌دا، کارگردان نمایش ویولن تایتانیک

جایی این مرزها شکسته می‌شوند

کار می‌آیند؛ بازیگران فوق‌العاده‌ای که باید خود را درگیر بازی کنند که در آن فاصله‌ای را که تاکنون بین ایشان با تماشاجی بوده است، می‌شکنند؛ فاصله‌ای که آنها را شاید به‌نوعی تاکنون محافظت نیز می‌کرده. این بازیگران روش متفاوتی از بیان مونولوگ را تجربه می‌کنند. برخی از آنها با استفاده از میکروفن مونولوگ می‌گویند، این شاید در وهله اول حس شود که بین آنها و تماشاجی فاصله می‌اندازد، اما در اصل سعی می‌کند تا به درون تماشاجی نزدیک شود. ۴ تماشاگر ایرانی قرارگرفتن در فضایی را که در ویولن تایتانیک ساخته‌اید، کمتر تجربه کرده‌است. در یک مکان غیرتئاتری اجرا می‌کنید. نگران نبودید؟ نه. اصلاً. ویولن تایتانیک تلاش می‌کند تا برای تماشاجی تجربه‌ای نو در فضایی نو بسازد؛ تجربه‌ای که با آن مستقیماً ارتباط می‌گیرند و حتی در آن دخالت می‌کنند و فقط با تغییر در فضای معمول اجرایی نمایش است که می‌شود به این هدف رسید. این نمایش تلاش می‌کند تا فاصله‌های متفاوت بین تماشاجی و صحنه ایجاد کند. همان‌طور که دیده‌اید در این اجرا نته‌تها چهارویوار وجود ندارد، بلکه صحنه نمایشی نیز وجود ندارد. تماشاجی در این مورد خاص در مرکز نمایش و در درون نمایش قرار می‌گیرد.

۴ چه چیزی در این شیوه اجرا برای شما اهمیت بیشتری داشت؟

معنای نگاه‌کردن. مفهوم تماشاگربودن. با این روش قصد داریم تا به معنای نگاه‌کردن تلنگری بزنیم. اغلب تماشاجی و ما به‌عنوان شهروندان یک جامعه نظاره‌گر صحنه‌ای هستیم که در آن بازیگران شخصیت‌های کلیدی آن هستند، اما در اینجا سعی می‌کنیم که به مضمون دخیل‌بودن نیز برسیم. همگی در ایجاد و روند جریان‌ات دخیل هستیم، گویی همگی سوار بر یک قایق باشیم. در زبان ایتالیایی این جمله به این معناست که انگار همگی یک سرنوشت مشخص را با هم تقسیم می‌کنیم، باز به این معنا که اگر جریان‌ی برای کسی خوب پیش نمی‌رود؛ مثلاً برای یک طبقه اجتماعی مشخص، برای یک گروه، برای یک سنخ یا تضادهای جنسی، دیر یا زود به باقی بدنه آن



خود تغییری ایجاد کند. او که می‌داند بخشی از بینندگان میلیونی‌اش افراد غیرورزشی‌اند، پرسشگری خود در حوزه فوتبال را به حوزه‌های اجتماعی هم گسترش داده و با حمایت بینندگان روبه‌رو شده است. او این‌بار نیز به‌خاطر سخنان اخیرش درباره پلاسکو در برنامه تلویزیونی ۹۰ کارت زرد گرفت.

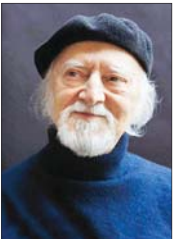
«محمدرضا عرب‌سرخی» در گفت‌وگو با فارس دراین باره گفت: «در بی اظهارات اخیر عادل فردوسی‌پور درباره ماجرای پلاسکو و ورود غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی ایشان، هم آقای پورمحمدی، مدیر شبکه سه سیما و هم عادل فردوسی‌پور تذکر دریافت کردند».

وی ادامه داد: کار آقای فردوسی‌پور کارشناسی نبود و در گفت‌وگویی که با وی هم داشتیم، اشاره کردیم که وظیفه‌ای در این حوزه ندارد. این مجری اگر به موضوعات مربوط به حوزه فوتبال می‌پرداخت، قطعاً اوضاع خیلی بهتر از الان بود. این فعال حوزه سینما، تلویزیون و رسانه تصریح کرد: فردوسی‌پور اشتباهات خود را پذیرفته است. این فرد در موارد مختلف برنامه را به حاشیه کشانده و به موارد غیرورزشی پرداخته است. حتی کار به جایی رسیده که وکلایی به‌عنوان مدعی‌العموم خواسته‌اند به‌خاطر این رفتار غیرحرفه‌ای از ایشان شکایت کنند و پیگیر هستند که این پرونده به نتیجه برسد.

زیر آسمان فیروزهای

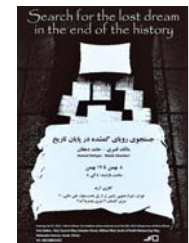
جمعه

تشییع پیکر رکن‌الدین خسروی



● شرق: مراسم تشییع پیکر رکن‌الدین خسروی یک روز با تأخیر و هشت بهمن، ساعت ۹ صبح در تالار وحدت برگزار خواهد شد. پیش‌ازاین قرار بود مراسم تشییع طبق درخواست همسر این هنرمند صبح روز پنجشنبه، هفتم بهمن، از تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شود. رکن‌الدین خسروی، کارگردان و مدرس تئاتر که تا سال ۷۶ در ایران به تدریس کارگردانی تئاتر در دانشگاه‌های آزاد اسلامی، سوره و در دوره‌های تخصصی نیابوران اشتغال داشت، ۲۸ دی پس از مدت‌ها بیماری در لندن از دنیا رفت.

چیدمان دو هنرمند در گالری آرته



● شرق: نمایش چیدمان مالک قنبری‌اشرفی و حامد دهقان با عنوان «جست‌وجوی رؤیای گمشده در پایان تاریخ» از جمعه، هفتم بهمن در گالری آرته آغاز می‌شود و تا ۱۷ بهمن به کار خود ادامه خواهد داد. مجموعه «جست‌وجوی رؤیای گمشده در پایان تاریخ» چالشی است میان اشیاء و رؤیاهای کاوشی در حفاصل زماندارتپودن ماده و ابدیت رؤیا. پرسه‌های گاه‌گاه در عمیق‌ترین قبرستان تجربیات بشری؛ اشیاء... اشیایی که در مقام پایان‌دهندگان تاریخ، ویرانه‌های تجربیات هر انسان را از زیر کام‌های سنگین زمان جمع می‌کنند و در سکوت محض پایان تاریخ دست به ترکیب‌های ساده می‌زنند. گالری آرته در شیراز جنوبی، پایین‌تر از بلک همت، خیابان آقاعلی‌خانی، ۲۰متری گلستان، ۱۲ متری دوم، پلاک سه واقع است. ساعات بازدید: ۱۶ تا ۲۰ و گالری روزهای شنبه تعطیل است.

«واقعیت شخصی»

از نگاه ۱۱ عکاس

● شرق: نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «واقعیت شخصی» از جمعه، هشت بهمن در گالری مرداد بندرعباس گشایش می‌یابد. در این نمایشگاه ۵۵ عکس در ابعاد ۳۳ × ۲۴ از ۱۱ عکاس با نمایشگاه‌گردانی نیلوفر فلکیان به نمایش درمی‌آید. عکاسان شرکت‌کننده در نمایشگاه «واقعیت شخصی» التاز امینی، پیمان پوست‌دوزان، روزبه روزبهانی، سبوا شهباز، مرتضی فرهنگی، نیلوفر فلکیان، مسعود قرانی، علی کاظمی، نسام کشاورز، نعم‌احمدیان‌روشن و مرتضی نیک‌نهاد هستند. در قسمتی از پایانه این نمایشگاه به قلم نعم‌ا روشن می‌خوانیم: «عکس‌ها این قدرت را دارند که واقعیت را تغییر دهند. نه به معنای تغییر عامده‌اند بلکه ذات برخی عکس‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توانند واقعیت را به‌گونه‌ای جلوه دهند که به‌طور معمول دیده نمی‌شود و به همین علت، عجیب، غریب یا غیرواقعی جلوه می‌کنند. چنین عکس‌هایی یک فاصله ایجاد می‌کنند بین چیزی که بازنمایی می‌کند و چیزی که ما از واقعیت می‌دانیم. این فاصله ذهنی همراه با آن باور ذهنی که عکس، بازنمایی واقعیت است، ذهن را به بازی می‌گیرد، باعث توجه چندباره به عکس می‌گردد و می‌توان آن را به «دگرگون‌سازی واقعیت» تعبیر کرد». طراح پوستر این نمایشگاه احمدعلی عسلی است. نمایشگاه «واقعیت شخصی» جمعه، هشت بهمن ساعت ۱۷ در تکارخانه مرداد، به نشانی بندرعباس، شهر نمایش، بلوار معلم، بهارستان ۱۸، پلاک ۳ برگزار می‌شود. «واقعیت شخصی» همراه امسال در شهر شیراز به نمایش درآمده که مورد استقبال فراوان هنرمندان و هنردوستان شیرازی قرار گرفت.



میدان امام حسین، خیابان معاوند
نشانی خیابان شهید عباسی
ساختمان خیر کتاب، پینو نیوا